یادداشت

خلأ قانونی در حمایت از بزه‌دیدگان

عبدالصمد خرمشاهی
حقوقدان

■ آن‌طور که شنیده شده آمنه در پیشنهادی خواستار آن شـده اسـت که متهمانی که اقدام به اسیدپاشی یا اعمالی نظیر آن می‌کننـد از طریق کار کردن در زندان خسـارات بزه‌دیده را تامین کنند. در این خصوص باید متذکر شـد در قانون چنین موضوعی پیش‌بینی نشده است. در قانون مجازات عمومی سابق، مجازات حبس با اعمال شاقه وجود داشـت اما در قانون مجازات اسلامی مـاده‌ای کـه زندانی را به کار کـردن مکلف کند، وجود ندارد. البته در گذشـته برخی زندانیان به صورت تعاونی و داوطلبانه در زندان کار می‌کردند و درآمد حاصله را در اختیار خانواده‌شان یا دیگران قرار می‌دادند.

با توجه به اینکه قوانین موجود درخصوص اسیدپاشی بازدارندگی لازم را ندارد و از طرفی قصاص عضو به دلیل شـروط قانونی موجود از جمله تسـاوی اعضا در عمل امکان‌پذیر نیست بنابراین خلأهای قانونی در این زمینه احساس می‌شـود و از آنجا که جرم اسیدپاشی، جرمی هولناک اسـت، ایجاب می‌کند تصمیم‌هـای تازه‌ای در این خصوص اتخاذ شـود. کار کردن محکـوم در زندان و پرداخت خسـارت از این طریق یکـی از راهکارهایی است که می‌تواند، عملی باشد، اما باید به شکل قانون یا آیین‌نامه دربیاید و سپس این کار صورت بگیرد.

نکته بعدی نحـوه پرداخت دیه به قربانیان این‌گونه جرایم است. قانون درخصوص جرم قتل از آنجا که خون نباید هدر برود، پیش‌بینی کرده است اگر قاتل شناسایی نشـود، دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت خواهد شد، اما قانون درباره جرایم غیـر از قتل و همچنین در مواردی که متهم شناسـایی شده اما از پرداخت دیه ناتوان است هیچ پیش‌بینی‌ای ندارد و در واقع قانونی برای حمایت از بزه‌دیدگان در این زمینه نداریم؛ حال آنکه زندانی بودن متهم که توان پرداخت دیـه را ندارد نفعی برای قربانی ایجـاد نمی‌کند. عـلاوه بر این، طبق قانـون، دولت نیز وظیفه‌ای درخصوص تامین خسارات قربانی ندارد و مکلف به این کار نیست و فقط گاه در مواردی خاص شاید شاهد چنین کمک‌هایی باشیم یا اینکه معمولا این انجمن‌های خیریه هسـتند که وارد عمل می‌شوند. نداشتن قانونی برای حمایت از این دسـته بزه‌دیدگان یک نقیصه است که به نظر من باید اصلاح و قوانین تازه‌ای مصوب شود.

حادثه‌ها

آغاز محاکمه متهمان تجاوز گروهی در خمینی‌شهر

■ **شرق:** رسـیدگی به پرونده تعرض دسته جمعی به میهمانان یک باغ در خمینی‌شهر اصفهان از صبح دیروز در دادگاه کیفری استان اصفهان آغاز شد. جلسه دادگاه به صورت غیرعلنی و پشت درهای بسته برگزار شد، زیرا به گفته غلامرضا انصاری- رییس دادگسـتری اسـتان اصفهـان - مباحث منافی عفـت در این پرونده مطرح اسـت. این پرونده از شامگاه سـوم خرداد و پس از آنکه پلیس در جریان یورش ۱۳ مرد مسلح به سلاح سرد به یک باغ قرار گرفت، گشوده شد. بنا بر اخباری که تاکنون منتشـر شـده در آن باغ ۱۴ زن و مرد حضور داشتند که بیشـتر آنها به صورت خانوادگی به آنجا آمده بودند و در حال برگزاری جشـن بودند اما با حضور مهاجمان، میهمانـی پایان یافت و متهمان پس از محبوس کردن مردان حاضر در باغ، زنان را سوار بر خودرو به منطقه‌ای دیگر در همان نزدیکی بردند و مورد تعرض قرار دادند و سـپس همگی متواری شدند اما در جریان تحقیقات و در چند عملیات جداگانـه ۱۰ نفر از آنها به دام افتادند و معلوم شـد پیرمردی که در باغ مجاور محل برگزاری جشن حضور داشت، متهمان اصلی را باخبر کرده و آنان را به آنجا کشانده بود. جلسه رسیدگی به اتهام این افراد در حالی برگزار شـده که سـه نفر از متهمان همچنان فراری هستند و تلاش برای بازداشت آنها هنوز به نتیجه نرسیده است. دیروز جزییاتی از جلسه محاکمه منتشر نشد و انصاری نیز فقط به گفتن این جمله بسنده کرد که به دلیل طولانی بودن رسیدگی، ممکن است دادگاه امـروز نیز ادامه پیدا کند. این پرونده در حالی به دادگاه رسیده که پرونده مشابه دیگر در کاشمر هنوز در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در آن واقعه بنا بر ادعای شاکی که زنی جوان اسـت ۱۳ نفر در نزدیکی روسـتای قوژد کاشمر وی را ربودند و مورد آزار قرار دادند. متهمان این جنایت شناسایی و دستگیر شده‌اند.

شرایط روحی و جسمی هانیه بسیار مناسب است

■ **فارس:** مدیر کل بهزیسـتی اسـتان تهـران با بیان اینکه شـرایط جسـمی و روحی هانیه به مراتب بهتر از گذشـته اسـت، گفت: این کودک همچنان در یکی از مراکز شبانه‌روزی بهزیستی نگهداری می‌شود. علی‌محمد قادری درباره این کودک هشت‌سـاله که توسط ناپدری معتادش به شدت مورد آزار و شکنجه قرار گرفته است، توضیح داد: سـازمان بهزیسـتی از همان ابتدا و پس از اطلاع از شرایط هانیه وی را در بیمارستان مورد حمایت خود قرار داد ضمن اینکه پس از طی مراحل قانونی هانیه به یکی از مراکز شبانه‌روزی بهزیستی منتقل شد. قادری ادامه داد: ناپدری هانیه همچنان در زندان به سر می‌برد ضمن اینکه دادگاه نیز شرایط سرپرستی این ناپدری را رد کرده است. پیش از این یکی از وکلای هانیه اعلام کرده بود بهزیستی اجازه ملاقات با این کودک را نمی‌دهد و او از وضعیت هانیه بی‌خبر است.

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

تلاش آمنه برای حمایت قانون از قربانیان اسیدپاشی

شـرق: آمنه بهرامی دختری که پسـر اسیدپاش را بخشیده و از قصاص چشـمان او گذشت کرده بود برای یاری به زنانی که قربانی اسیدپاشی شده‌اند از مسوولان کمک خواست.

به گزارش خبرنگار ما، آمنه که هفت سـال قبل از سـوی خواستگارش مجید موحد با اسید مورد حمله قرار گرفته‌بود، دو هفته قبل زمانی که برای اجرای قصاص به بیمارستان دادگستری رفت تا حکم را اجراکند مجید را بخشـید و چشـمان او را کور نکرد. او از آن زمان به بعد برای پیگیری حقوق خودش و دیگر قربانیان اسیدپاشی تلاش می‌کند. آمنه می‌گوید مطرح کردن سه خواسته از رییس‌جمهوری و ملاقات با نمایندگان مجلس از جمله کارهایی است که در این چند روز انجام داده است. آمنه دیروز به خبرنگار ما گفت: آقای احمدی‌نژاد برای اینکه از گذشت من تشـکر کند هفت روز قبل مرا به دفتر خود دعوت کرد. او در این ملاقات هیچ وعده‌ای به من نداد، اما من سـه خواسـته را مطـرح کـردم که فقط یکی از آنهـا را می‌توانم بگویم اولین خواسته‌ام این بود که به من کمک مالی بکنند تا بتوانم درمانم را در اسپانیا ادامه بدهم. من تاکنون ۵۰۰ میلیون تومان برای این موضوع هزینه کردم و ۴۰۰ میلیون تومان دیگر نیز احتیاج دارم. دو خواسـته دیگر هم داشتم که نمی‌توانم در مورد آنها توضیح بدهم. رییس‌جمهوری به من قـول همکاری ندادند اما گفتند تلاش خود را می‌کنند؛ البته پزشک از طرف رییس‌جمهوری به من معرفی شدند اما من گفتم که دکترهایم را عوض نمی‌کنم چون پوسـت من خیلی آسـیب دیده است و یک عمل اشتباه خسارت جبران‌ناپذیری را به همراه دارد. ضمن اینکه دکترهایی که در ایران هستند همگی جراحان پلاستیک هستند نه پزشک ترمیمی پوسـت در حالی که من به این تخصص احتیاج دارم. آمنه ادامه داد: من قبلا هم خواسـته‌هایی را مطرح کرده بودم که آنها هم عملی نشدند از جمله اینکه نیروهای آموزش دیده را در بیمارستان‌ها به کار بگیرند و به پزشکان و پرستاران آموزش بدهند وقتی یک قربانی اسیدپاشی را به بیمارستان می‌آورند چه باید بکنند. متاسـفانه در این مورد خیلـی ضعف داریم، اگر در ساعات اولیه حادثه من را درست درمان می‌کردند شاید بینایی یکی از چشمانم را داشتم. آمنه از بین رفت اما قربانیان دیگر را دریابید. من خواسـته دیگری را هم مطرح کردم و از مسوولان خواسـتم امثال مجید موحدی در زندان استراحت نکنند بلکه کار کنند و درآمدشان صرف هزینه درمان شخصی شود که به او آسیب رسانده‌اند. این درست نیست که به کسی آسیب برسانند و بعد در زندان استراحت کنند. آنها باید تاوان کار خود را بدهند.

آمنه بهرامی به کمک‌های مالی مردم نیز اشاره کرد و گفت: بعد از اینکه مجید را بخشیدم مردم خیلی به من لطف داشتند و از آن روز تا به حال مبلغ ۹۰ میلیون تومان به من کمک کرده‌اند. من دسـت همه آنها را می‌بوسم و تشـکر می‌کنم. هزینه‌های درمان من در اسـپانیا خیلی زیاد است بنابراین به کمک مردم خیلی نیاز دارم. آمنه بهرامی که از روز بخشیدن مجید تاکنون بارها از مساوی نبودن دیه زن و مرد گلایه کرده است در این‌باره نیـز گفت: چند روز قبل، خانم آلیا نماینـده مجلس را دیدم و در این‌باره با او صحبت کردم. با یکی از نماینده‌های کمیسیون امنیت ملی هم صحبت کردم و قرار است این دو نماینده برای من از مجلس وقتی بگیرند تا در این مورد در مجلس سخنرانی کنم. این اصلا درست نیست که مجید به من آسیب وارد کند و من این همه زجر بکشم آن‌وقت نصف یک مرد به حساب بیایم. من به وکیل هم گفته‌ام که تمام دیه‌ام را می‌خواهم نه نیمی از آن را بایـد به من دیه کامل بدهنـد و تا زمانی که دیه کامل را ندهند هیچ برگه‌ای را در مورد پرونده‌ام امضا نمی‌کنم.

آمنه ادامه داد: من یک‌بار دیگر هم این را می‌گویم که اگر مجید را بخشیدم نه به این دلیل بود که به او علاقه‌ای داشتم یا کارش را فراموش کردم بلکه او را بخشـیدم چون مردم از من خواستند.

عکس: آیدین رهبر

پسر جوان در دادگاه به جرمش اعتراف کرد

اجیر کردن دو مرد برای قتل پدر

شـرق: پسری که دو مرد را برای قتل پدرش اجیر کرده بود، با رای دادگاه کیفری اسـتان تهران به زندان محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسـه محاکمه این متهم و دو همدسـتش، نماینده دادسـتان در جایگاه حاضر شـد و در توضیح کیفرخواسـت خطاب به قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران گفت: ماموران پلیس، مهر سال ۸۷ باخبر شـدند مردی به نام عباس در خانه‌اش خفه شـده و به قتل رسیده است. وقتی پلیس تحقیقات خود را در این خصوص انجام داد به دو مرد به نام‌های فرزاد و مصطفی مشکوک شد با بازجویی از این دو جوان آنها به قتل اعتراف کردند و مدعی شـدند با مقتول اختلاف مالی داشتند اما این همه واقعیت نبود. پلیس در ادامه به جمشید پسر مقتول نیز مشکوک شد و او را مورد بازجویی قرار داد و درنهایت فاش شـد جمشید برای به قتل رساندن پدرش دو متهم دیگر را اجیر کرده‌است. نماینده دادسـتان تهران ادامه داد: با توجه به مدارک موجود در پرونده به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست صدور حکـم قانونی را برای متهمـان دارم. در ادامـه اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند و برای قاتل اصلی درخواست صدور حکم قصاص کردند. سپس فرزاد متهم ردیف اول به دفاع از خودش پرداخت. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: «جمشید به سراغ من آمد و گفت می‌خواهد پدرش را بکشـد. قرار شد من در قبال گرفتن مبلغی پول این کار را برایش انجام دهم. شـب حادثه جمشـید در آپارتمان را باز گذاشـته بود. ما هم وارد شدیم مصطفی پای مقتول را گرفت و من هم او را خفه کرد. در ادامه جلسـه فرزاد در جایگاه حاضر شد. او گفت: «اتهامم را قبول دارم. من از سـال‌ها قبل با پدرم اختلاف داشـتم او به من خیلی سـخت‌گیری می‌کرد و خواهرم و مادرم را هم اذیت می‌کرد به همین خاطر تصمیم گرفتم او را بکشم. چون خودم نمی‌توانستم این کار را انجام بدهم دو نفر دیگر را اجیر کردم. شب حادثه مادر و خواهرم به خانه یکی از اقوام‌مان در کرج رفته بودند من هم فرصت را مناسب دیدم و همدستانم را خبر کردم. در آپارتمان را باز گذاشـتم و آنها وارد شدند و پدرم را خفه کردند. قرارمان این بود که اگر دستگیر شدند از من حرفی نزنند و بگویند با پدرم اختلاف مالی داشتند. بعد از توضیحات این جوان، مصطفی- متهم ردیف سوم- نیز اتهام خودش را قبول کرد و پس از آن هیات قضات وارد شور شدند و فـرزاد را به قصاص و هر کـدام از دو متهم دیگر را به جرم معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس محکوم کردند.

این‌بار در همدان اتفاق افتاد

اقدام به خودکشی مادر بعد از قتل دختر

شـرق: زنی که از مشکلات روانی رنج می‌برد بعد از قتل فرزندش اقدام به خودکشی کرد. این زن همدانی در روز ۲۹ تیـر به چنین کاری اقدام کـرد و از آن زمان تحت درمان بود تا اینکه بعد از بهبودی جزییات حادثه را شرح داد. این زن در حالی به کشـتن دختر پنج ساله‌اش اقرار کرد که روز شـنبه هفته جاری نیز زنی جوان در تهران در اقدامی مشابه پسر یک و نیم ساله خود را خفه کرده و با بریدن رگش کوشیده بود تا به زندگی خودش پایان بدهد. آن زن نیز بنا بر اعلام پلیس از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برد.

کارآگاهان جنایی همـدان روز ۲۹ تیر وقتی از وقوع جنایت در یک منزل مسکونی باخبر شدند به آنجا رفتند و خودشان را در برابر پیکرهای زنی ۳۰ ساله به نام سکینه و دختری پنج ساله به نام مهناز دیدند. مهناز، جان باخته اما سکینه هنوز زنده بود، به همین سبب او را به بیمارستان منتقل کردند و تلاش‌ها برای نجات این زن آغاز شد که به تشخیص پزشکان مایعی اسیدی خورده بود.

در همان شرایط که سکینه روی تخت بیمارستان بود کارآگاهان به تجسس‌هایشان ادامه دادند و فهمیدند مهناز با پیچیده شدن یک روسـری دور گلویش دچار انسداد مجاری تنفسـی و خفه شده اسـت. از آنجایی که زمان حادثه این مادر و دختر در خانه تنها بودند و هیچ ردپایی از حضور شخص سوم در محل حادثه وجود نداشت فرضیه به قتل رسیدن کودک توسط مادر به تنها احتمال موجود تبدیل شـد. با این وجود افسران جنایی منتظر ماندند تا بعد از بهبودی سـکینه از او بازجویی کنند و به اطلاعات بیشتری در این خصوص دست یابند.

سرانجام سکینه بعد از بهبودی نسبی به پلیس آگاهی منتقل شـد و در بازجویی‌ها ضمن اقـرار به قتل دختر خردسـالش گفت: «من به بیماری روانی مبتلا هستم و اختلافات خانوادگی هم این مشـکلم را تشدید کرده بود تا اینکه بالاخره تصمیم گرفتم با کشتن خود و مهناز هر دومـان را از این زندگی نجات بدهـم. روز حادثه دخترم را با روسـری خفـه کردم بعد خودم مقـدار زیادی مایع سفیدکننده خوردم اما زنده ماندم.»

بنابـر این گزارش، تحقیقات از این زن همچنان ادامه دارد ایـن در حالی اسـت که پرونـده زن تهرانی نیز در دادسرای جنایی تهران همچنان در جریان است.

عکس: شرق

پسر ۲۰ساله سردسته سارقان ۱۰۰ میلیونی

شرق: جوان ۲۰ ساله‌ای که با تشکیل باند تبهکاری اموالی بـه ارزش یک‌صد میلیون تومان را سـرقت کرده بود، در جریان بازجویی‌های پلیسی ارتکاب ده‌ها فقره زورگیری و کیف‌قاپی را بر عهده گرفت.

به گزارش خبرنـگار ما، چندی قبل زنی به کلانتری جوادیـه رفت و گفت دقایقی قبـل دو جوان با بی‌حس کردن او تلفن همراهش را زورگیری کرده‌اند. او در این‌باره گفت: در حوالی ترمینال جنوب، داخل تاکسـی نشسته بودم و راننده منتظر چند مسافر دیگر بود. در این لحظه تلفن همراهم زنگ خورد و در حالی که با تلفنم صحبت می‌کردم، ناگهان پسر جوانی به من نزدیک شد و ضربه‌ای به دسـتم زد که در اثر این ضربه دسـتم بی‌حس شـد و او تلفن همراهم را از دسـتم گرفت و به سـوی جوان موتورسـواری که منتظرش بود، دوید. فردی که شـاهد این صحنه بود، تلاش کرد مانع جوان سـارق شود اما او و همدسـتش با چاقو وی را تهدید و خیلی سریع از آنجا فرار کردند.

در پی ثبت این اظهارات پرونده این زورگیری به دستور سلیمانی، دادیار شعبه دوم دادسرای ناحیه ۲۷ به پایگاه هفتم پلیس آگاهی ارسال شد تا در این‌باره تحقیق شود. در جریان تجسس‌های پلیس با کمک چند نفر از شاهدان حادثه، چهره فرضی یکی از سـارقان ترسیم شد. یکی از شـاهدان در این‌باره گفت: دو سارق سوار بر یک دستگاه موتوسیکلت آپاچی از آنجا فرار کردند و دو موتورسوار دیگر نیز سوار بر یک دستگاه موتوسیکلت هوندا، کمی عقب‌تر آنها را همراهی می‌کردند. گردآوری این اطلاعات و تطبیق تصویر به دست آمده از متهم با تبهکاران سابقه‌دار نشان داد یکی از متهمان جوانی ۲۰ ساله به‌نام ابوالفضل است.

در همین حال چندین سـرقت مشـابه دیگر نیز به پلیس گزارش شد که بررسی ردپای سارقان نشان می‌داد ابوالفضل و همدستانش در این سرقت‌ها نیز دست دارند. در چنین شرایطی تجسس‌ها ادامه یافت تا اینکه ماموران به اطلاعاتی درباره مخفیـگاه ابوالفضل در اطراف میدان شوش دست یافتند و آنجا را تحت نظر گرفتند. کارآگاهان قصد داشتند با تحقیقات بیشتر، اطلاعات تازه‌تری از این باند سرقت به دست بیاورند. با گذشت چند روز در حالی که متهم قصد داشـت سوار بر یک دستگاه موتوسیکلت آپاچی وارد مخفیگاهش شـود خود را در محاصره پلیس دید و تسلیم شد.

ابوالفضل در بازجویی‌های مقدماتی، اتهام سرقت را انکار کرد اما وقتی در برابر مدارک و شواهدی که علیه‌اش بود- از جمله تصاویر دوربین‌های مداربسته چندین بانک- قرار گرفت به ناچار به ارتکاب ده‌ها فقره زورگیری و کیف‌قاپی اعتراف کـرد. او در اعترافاتش گفت: همراه همدسـتانم در اطـراف ترمینال جنوب، بـازار نازی‌آبـاد، خانی‌آباد، محدوده بازار، میدان بهارسـتان پرسه می‌زدیم و افرادی را که احتمال می‌دادیم اموال باارزشـی همراهشان دارند، شناسایی می‌کردیم. در ادامه وقتی فرصت را برای سرقت مناسب می‌دیدیم با تهدید چاقو اموال‌شان را می‌دزدیدیم. ما بیشتر به دنبال دزدیدن دستبند و گردنبند طلا بودیم و کیف و گوشی‌های مسروقه را به یک مالخر می‌فروختیم.

به دنبال اعترافات ابوالفضل یکی دیگر از همدسـتان او به‌نام مهـران در چایخانه‌ای در اطراف میدان شـوش دستگیر شد و به ده‌ها فقره سرقت اقرار کرد. این پایان کار نبود و چند روز بعد مالخر این باند به نام رضا نیز بازداشت و در بازرسی از مخفیگاهش تعداد ۲۰ دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه کشف شد. متهمان که به موادمخدر اعتیاد دارند انگیزه اصلی‌شـان را از ارتکاب این سرقت‌ها تامین هزینه مواد مخدر مصرفی‌شـان اعـلام کردند. در همین حال ده‌ها نفر از مالباختگان که طعمه دستگیرشدگان قرار گرفته بودند با حضور در پلیس آگاهی، متهمان را به‌عنوان سارق شناسایی کردند. جمع‌آوری اظهارات شاکیان نشان داد اعضای این باند تبهکاری تاکنون توانسـته‌اند اموالی با ارزش بیش از یک‌صد میلیون تومان را سـرقت کنند. هم‌اکنون دو عضو دیگر این باند متواری هستند و افسران پلیس در تلاشند آنها را به دام بیندازند.

سرهنگ علی غیاثوند رییس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران در این‌باره گفت: متهمان تاکنون ده‌ها فقره سرقت را برعهده گرفته‌اند و ماموران در تلاشند سایر مالباختگان را شناسایی کنند. وی همچنین از افرادی که با این ترفند از آنها سرقت شده خواست برای شناسایی متهمان به پایگاه هفتم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

پنج قاره

عذرخواهی قاتل سریال زنان

ایسـنا: قاتل سـریالی ایالت اوهایو کـه ۱۱ زن را به قتل رسانده است بابت جنایت‌هایش عذرخواهی کرد. این متهم به نام آنتونی که ۵۱ سـال دارد بعد از کشـتن هرکدام از این ۱۱ زن اجسـاد آنان را اطراف منزلشان رها کرده بود. آنتونی همچنین به سـه زن دیگر نیز حمله کرده بود که آنان جان سـالم به در می‌برند و علیه او شهادت دادند. در جلسه روز دوشنبه دادگاه او در حالی که در مقابل بستگان این قربانیان ایستاده بود، گفت: تنها جمله‌ای که می‌توانم بیان کنم این است که متاسفم. بستگان قربانیان در حالی کـه اولین اظهارات او را دو سـال پس از دسـتگیری‌اش می‌شنیدند، اشـک می‌ریختند. بنا بر این گزارش، پلیس قبل از جشن هالووین سال ۲۰۰۹ تکه‌های اجساد مقتولان را پیدا و تحقیقاتـی را در این رابطه آغاز کرد. آنتونی بعد از اینکه زنان را می‌کشت اجساد را داخل کیسه‌های زباله می‌انداخت و در قسمت‌های مختلف خانه‌شان رها می‌کرد. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد این قاتل سریالی از داشتن پدر محروم بوده و کودکی پررنجی داشته است.

آتش در سرای سالمندان

پلیس‌خبر: آتش‌سوزی در یک سرای سالمندان در شیلی ۹ کشـته برجا گذاشت. در این سرای سالمندان که در جنوب شـیلی واقع شده اسـت، روز دوشـنبه -زمان وقوع حادثه- ۲۰ نفر حضور داشـتند و علاوه بر ۹ کشـته، هفت نفر نیز زخمی شـدند. این سرا در یک محله فقیرنشین قرار داشت و سالمندان بی‌بضاعت و مستضعف را در خود جای داده بود.

دستگیری قاچاقچیان زنان

پلیس‌خبـر: دو مکزیکی در آمریکا به اتهـام قاچاق زنان به دادگاهی در «میامی» آمریکا کشیده شدند. این دو مرد ۳۰ و ۳۱ ساله در دادگاهی در میامی آمریکا اعتراف کردند زنان مکزیکـی را به آمریکا قاچاق و آنان را به انجام اعمال منافی عفت وادار می‌کردند. این دو نفر از سـال ۱۹۹۹ تا دسـامبر ۲۰۱۰ به قاچاق زنان مشغول بودند و پول کلانی را به جیب زده‌انـد. آنها قربانیان خود را بـا دادن وعده کار در آمریکا به دنبال خود می‌کشـاندند. عضو سوم این باند پیش از این در مکزیک دستگیر و به ۱۸ سال و سه ماه حبس محکوم شده بود. نفر چهارم این باند نیز تحت‌تعقیب است.

قتل‌عام ۴ عضو یک خانواده

پلیس‌خبـر: یک باند مسـلح تبهکار در گواتمـالا چهار نفر از اعضـای یک خانواده را به قتل رسـاندند. این جنایت روز دوشـنبه در غرب پایتخت این کشـور رخ داد و افراد مسلح طعمه‌های خود را در حالی که خواب بودند کشتند و متواری شـدند. پلیس در حالی که به تحقیقات خود در این زمینه ادامه می‌دهد عنوان کرد این گروه، یک باند تبهکار خیابانی است که هنوز مشخص نیست با چه هدف و انگیزه‌ای اقدام به قتل این خانواده کرده‌اند. بنا بر این گزارش در گواتمالا روزانه به طور متوسط ۱۶ نفر به قتل می‌رسند به همین دلیل این کشور در آمریکای لاتین به عنوان خشن‌ترین کشور شناخته شده است.

مژدگانی پنج‌هزار دلاری برای پیداکردن گربه

یونایتدپرس: زن کانادایی برای پیدا شدن گربه‌اش مژدگانی پنج‌هزار دلاری تعیین کرد. صاحب این گربه دوساله سفید خاکسـتری هنگام مسافرت او را به مادرش سپرد اما حیوان ناپدید شـد. این زن کانادایی با وجود جست‌وجوی مناطق اطـراف و دادن آگهی، هیچ نشـانه‌ای از گربه‌اش پیدا نکرده است. او این گربه را عضوی از خانواده‌اش می‌داند و بی‌صبرانه منتظر بازگشت اوست.

نگاه

عفو بالاتر از عدالت

حجت‌الاسلام عباسعلی براتی
عضو هیات علمی دفتر
کمیسیون حقوق بشر اسلامی

■ در روزهای اخیر بحث میان اولویت در تحقق عدالت، گذشـت و اجرای قانون بر سـر یک حادثه اسیدپاشـی روی یک خانم جـوان، توجه همه را به خود جلب کرده است. آنچه در اینجا می‌توان از قرآن کریم استنباط کرد، این اسـت که در صورت گذشـت، آثار و تبعات تربیتی و انسـانی بهتری به دسـت می‌آید و این قاعده در اغلب موارد صادق اسـت. تقوا یا خویشتن‌داری بالاترین هدف تربیتی و اخلاقی اسلام است، حتی خداوند متعال فایده و فلسفه روزه ماه مبارک رمضان را دستیابی بشر به تقوا برشمرده است و آن را به مانند یک نسخه شفابخش الهی برای نجات از هوای نفسانی شیطانی و راه یافتن به صراط مستقیم عرضه می‌کند: ای مومنان روزه بر شما نوشته و واجب شده، چنانچه بر امت‌های پیش از شما نیز نوشته و واجب شده شاید به تقوا دست یابید. (بقره/۱۸۳)

چنانچـه در روایتـی از امام صادق آمده اسـت: روزه گرفتن تنها به این نیست که انسان نخورد و نیاشامد بلکه فرد روزه‌دار باید با تمام وجود، روزه‌دار باشـد و حتی قلب او از غیرخدا پاک باشد. بنابراین در جامعه‌ای که رحمت و گذشـت و عفو اسلامی سـرلوحه همه امور و بالاترین ارزش‌ها باشد، در مواردی که «قصاص» یک حق شخصی اسـت، معمولا می‌توان با توسـل به انگیزه‌های دینی و ارزش‌های معنوی از صاحب حق درخواست کرد که عفو و گذشت را برگزیند و از تکرار آسیب و زیان بر فردی (ولو مجرم) چشـم پوشی کند. این شیوه بهترین نتیجه را به دنبال دارد؛ زیرا از سه طرف تامین مصالح عالیه اجتماعی و اخلاقی را در پی دارد:

۱- رعایـت حق فرد از جهت اینکه اختیار عفو یا قصاص در دست اوست

۲- رعایـت حقوق جامعه از جهت اجـرای قوانین و رها نکردن مجرم و قانون شکن

۳- از جهت تحکیم ارزش‌های اسلامی در راستای رسیدن به تقوا و قرب الهی.

عفو در اینجا اقتدار کامل فرد را نشـان می‌دهد و اینکه با کمک قانون توانسته است بزهکار و متجاوز را تا پای میز محاکمه بکشـاند و در اختیار نظام عدالت قرار دهد و نظام اجتماعی پشـت سر او ایسـتاده تا حق خود را اگر بخواهد، بسـتاند. همین کافی است که صاحب حق احساس قدرت کند که گرفتن حق او و کیفر کسـی که به حقوق او تجاوز کرده، در حد توانایی و در دسترس وی و جامعه است. آنگاه نوبت اوسـت که چگونـه از این توانایی اسـتفاده کند و به کدام یک از خواسته‌های خود بخواهد پاسخ بگوید؛ با حس انتقام‌جویی یا حس بزرگواری و بخشندگی. در همین زمینه امیرالمومنـان فرمودند: «در عفو لذتی اسـت که در انتقام نیست.» از راه عفو و گذشت انسان می‌تواند به آرامشی برسد که از راه دیگر دسـتیابی به آن ممکن نیسـت. شاید بتوان گفت، گذشـت از لغزش‌های دیگران نه تنها موجب جلب رحمت الهی و بهره‌مندی از آرامش برخاسته از آن می‌شود بلکه در جذب و جلب محبت الهی نیز موثر و بستری برای ایجاد دوستی و پیوندهایی است که افزایش روابط اجتماعی و نیکـوکاری را در بر دارد. نیکوکاری خود زمینه بسـیاری از جدال‌ها و سـتیزه‌جویی‌ها را در جامعه از میان می‌برد و دشمنی‌ها را قطع می‌کند و محبت و مهرورزی را در جامعه رشد می‌دهد. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره فُصِّلت، عفو و گذشت را عامل جلب دوستی‌ها و به وجود آوردن پیوندهای اجتماعی و خانوادگی بر می‌شمارد و در آیه ۲۸ سوره بقره آن را موجب جلب خیر و برکت مادی در زندگی انسان می‌داند. در روایتی از امام سـجاد (ع) آمده است که «اما حق کسی که از جانب او با سخن یا عمل به تو بدی رسیده باشد، این است که اگر بدی او عمدی باشد، گذشت از او برای تو بهتر است؛ زیرا این گذشت موجب منصرف شدن شخص از بدی و ادب شدن اوست.» رسیدن به مقام صابران به جای استفاده از حقوق شخصی مانند حق انتقام و قصاص، امری ممکن و شـدنی است و در آیه ۱۲۶ سـوره نحل به آن اشاره شده و آیه۱۳۴ سوره آل عمران عفو و گذشت از مردم را موجب وارد شدن در زمره نیکوکاران و مقام احسان می‌شمارد که یکی از مقامات عالی انسانی و بهره‌مندی از تقرب خاص الهی است.

رخداد

دادستان شهرستان البرز اعلام کرد

جذب کارمند زن زمینه‌ساز تجاوز به عنف و آدم‌ربایی

■ **ایسـنا:** دادستان عمومی و انقلاب شهرستان البرز از توابع اسـتان قزوین جذب کارمنـد زن را به دلیل تردد دیرهنگام این کارمندان در شهر را زمینه‌ساز تجاوز به عنف و آدم‌ربایی دانست. شجاع ذوقی در جلسه دادستان‌های استان قزوین درباره عوامل جرم‌زا گفت: یکی از عوامل مهم در وقوع جرایم، حجم بالای تردد در محورهای مواصلاتی استان است که در این تردد قشر جوان بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند و به سبب اعتماد نابجا در استفاده از وسایل نقلیه غیرعمومی، ارتکاب جرایم افزایش می‌یابد. از سوی دیگر جذب کارمند زن سبب می‌شود آنان به ناچار در سـاعات خلوت در شهر تردد کنند که این امر سبب افزایـش وقوع جرایمی مانند تجـاوز به عنف و آدم‌ربایی می‌شود. وی مشکلات اقتصادی را از دیگر عوامل ارتکاب جرایم دانسـت و اظهار کرد: وجود مسـایل و مشکلات اقتصادی از دیگر عوامل جرم‌زا به‌خصوص جرایمی مانند آدم‌ربایی و سرقت است. همچنین دادستان البرز به عوامل پیشگیرانه در رابطه با جرایم خاص اشاره کرد و گفت: از طریق نصب دوربین‌های مداربسته در گذرگاه‌ها و راه‌های مواصلاتی جهـت کنترل عبور و مـرور می‌توان ضریب امنیتی را در استان ارتقا داد.